

ترجمه در دانشکده‌های اقتصاد؛ راه حل یا بخشی از معضل؟

محمد مالجو



بررسی اصلی‌ترین ویژگی‌های متون ترجمه شده در دانشکده‌های اقتصاد در ایران
سال‌های پس از جنگ موضوع اصلی بحث من است.

کارگزاران و اعضای هیأت علمی در دانشکده‌های اقتصاد چه کسانی هستند؟

اعضای هیأت علمی دانشکده‌های اقتصاد در همه سال‌های پس از جنگ محصول انباشت جذب نیروها در چهار دوره متمایز هستند. در دوره اول که به صورت تقریبی با انقلاب فرهنگی آغاز شد و با انتهای دهه ۱۳۶۰ به پایان رسید شاهد انقلاب در همه عرصه‌های حیات ایرانی و تغییر نخبگان، در حوزه‌های آموزش، ادبیات، هنر، اقتصاد، سیاست و از جمله اعضای هیأت‌های علمی دانشکده‌های اقتصاد بودیم. هم‌زمان با انقلاب فرهنگی دانشکده‌های اقتصاد که با کمبود نیرو مواجه شده بودند به استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا و از جمله اعضای انجمن‌های اسلامی پرداختند که واجد خصوصیات اسلامی بودند. این افراد به محض پاگیرشدن در دانشکده‌های اقتصاد به مراکز تحقیقاتی اقتصادی و لایه‌های میانی سیاست‌گذاری اقتصادی نیز وارد شدند و از همان ابتدا نقش استاد-تکنوکرات را بازی کردند.

در دوره بعد از اواخر دهه ۱۳۶۰ تا اواسط دهه ۱۳۷۰ شاهد جذب نیروهای جوان ارزشی‌تر و هم‌سوتر بودیم که عمدتاً به اعتبار خدماتی که در دوره انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها انجام داده بودند در زمانی که غالباً دانشجوی کارشناسی ارشد بودند یا به‌تازگی آن را به پایان رسانده بودند جذب دانشگاه‌ها شدند. این افراد فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های داخلی یا دانشجویانی بودند که با دریافت بورسی که به آن‌ها اختصاص یافته بود از دانشگاه‌های فرانسه، انگلستان و آمریکا به ایران بازگشتند. در تمام این دوره شاهد نقش‌آفرینی دو قاعده اصلی بازی بودیم؛ یکی تصفیه و دیگری گزینش. در اواسط دهه ۱۳۷۰ تصفیه منتفی شد. گزینش هم در این دوره بسیار کم‌رنگ شد. تصور غالب این است که کم‌رنگ‌شدن گزینش به‌خاطر جنبش دوم خرداد اتفاق افتاد ولی به عقیده من گزینشی که از انقلاب فرهنگی تا اواسط دهه ۱۳۸۰ به واسطه یک قاعده برون‌دانشگاهی تزریق می‌شد نیروهایی را در دانشگاه جای‌گزین کرد. از اواسط دهه ۱۳۷۰ به بعد قاعده گزینش در دانشگاه ملکه و نهاده‌ها و جزئی از حیات دانشگاهی شده بود. در دوره

سوم از اواسط دهه ۱۳۷۰ تا اواسط دهه ۱۳۸۰ گزینش با مدل گذشته جای خود را به گزینش علمی داد. در این دوره دانشگاه‌های اقتصاد و کارگزاران ترجمه دوره آرامی را پشت سر گذاشتند. در دوره چهارم یعنی بعد از ظهور دولت نهم دوباره تصفیه و گزینش با مدل گذشته توسط نیروهایی متمایز از نیروهای دهه ۱۳۶۰ و دست بر قضا این بار شامل حال خودشان در دستور کار قرار گرفت. این دوره با وجود تغییر مدیریتی در اکثر دانشگاه‌ها تا امروز کماکان ادامه دارد. کارگزاران ترجمه متون اقتصادی در سال‌های پس از جنگ حاصل انباشت جذب نیرو در این چهار دوره بودند؛ چهار دوره‌ای که به لحاظ فرم مستقل اما به لحاظ محتوا یکسان بودند.

مفاد آموزشی‌ای که کارگزاران ترجمه روی آن متمرکز شدند، چه بود؟

متون ترجمه‌شده گلچینی از مفاد آموزشی بودند که ابتدا در سطح دانشکده‌های اقتصاد و سپس در سطح سیاست‌گذاری عمومی وارد شدند و به‌طور کلی حیات ایرانی را تثبیت کردند. سرمنشأ این مفاد آموزشی به نسل اول جذب‌شدگان در هیأت‌علمی دانشکده‌های اقتصاد بازمی‌گردد. این مفاد در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی خصوصاً در دانشگاه‌های آمریکایی تدریس می‌شد. در این دو دهه بحران ساختاری در اقتصادهای اروپایی، اسکاندیناوی، بریتانیا، استرالیا، ژاپن و آمریکای شمالی به‌وجود آمد و پروژه سوسیال‌دموکراسی دولت رفاه کینزی که بعد از جنگ جهانی دوم غرب را درنوردیده بود به بحران رسید. متناسب با این بحران در مفاد درسی شاهد تدریجاً افول مفاد و جهت‌گیری‌های برنامه‌ای بودیم که سوسیال‌دموکراسی نامیده می‌شد و جای خود را کم‌کم به ایدئولوژی‌ای داد که نولیبرالیسم نامیده شد. جذب‌شدگان در دهه ۱۳۶۰ در دانشکده‌های اقتصاد ایران متناسب با آن زمان این مفاد را به متون درسی دانشکده‌های اقتصاد وارد کردند.

در مرکز این مفاد درسی مکتب نوکلاسیک جای می‌گیرد که چهار رکن اصلی دارد: اقتصاد خرد و اقتصاد کلان که نظریه اقتصادی را توضیح می‌دهند و اقتصاد ریاضی و اقتصادسنجی که جنبه‌های تکنیکی این اقتصاد را تشریح می‌کنند. ذیل اقتصاد خرد به عنوان هسته اصلی مکتب نوکلاسیک زیرشاخه‌های دیگری مثل اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد منابع، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد آموزش، اقتصاد صنعتی، اقتصاد رفاه، اقتصاد مدیریت، اقتصاد حمل‌ونقل، اقتصاد کار و... وجود دارد و ذیل اقتصاد کلان زیرشاخه‌هایی مثل اقتصاد پول و بانکداری، اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد انرژی، اقتصاد منطقه‌ای از جهاتی و حسابداری ملی وجود دارد. البته زیرشاخه‌های دیگری هم بودند که به صورت سنتی محل عرضه نگاه‌های متفاوت بوده و هستند ولی در ایران این زیرشاخه‌ها به تدریج حذف شدند مثل اقتصاد توسعه، برنامه‌ریزی اقتصادی، نظام‌های اقتصادی، تاریخ اندیشه اقتصادی، تاریخ اقتصادی و... این مجموعه به لحاظ محتوایی بسیار گسترده است و حتی در چارچوب نگاه مسلط اقتصادی بین حاملان مکتب نوکلاسیک اختلاف‌نظرها و متدولوژی‌های مختلف وجود دارد ولی تا آنجا که به فقره جهت‌گیری ایدئولوژیک آن‌ها برمی‌گردد در همه این زیرشاخه‌ها شاهد یک تک‌صدایی قوی هستیم و آن شکل‌های گوناگون و و ناهم‌گون نظام سرمایه‌داری است.

ویژگی‌های متون ترجمه‌شده

مفاد متون ترجمه‌شده دچار چهار نوع بلیه جدی هستند:

۱- انبوه متون ترجمه‌شده در دانشکده‌های اقتصاد در سال‌های بعد از جنگ عمیقاً دچار افت فرمالیسم و بی‌توجه به محتوایی هستند که درون این فرم صورت‌بندی می‌شود. چون مکتب نوکلاسیک مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی است. به این معنا که نقطه

عزیمت تحلیل اقتصادی فرد و رفتار فردی است که به‌غیر از ایفای نقش در مقام مصرف و تقاضا یا عرضه و تولید فاقد هویت است و در سطح بالایی از انتزاع قرار دارد. این فرد فاقد هویت جنسیتی، قومیتی، ملیتی، نژادی، سبک زندگی، ایدئولوژی و... است. این فرد که دو هویت عرضه‌کنندگی یا تقاضاکنندگی را حمل می‌کند سرجمع ساختار بازار را می‌سازد. در این متون علوم صوری و ازجمله ریاضیات در درجه‌ای بالا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ریاضی ابزاری سودمند است ولی در انبوه متون ترجمه‌شده در ایران و خارج از ایران از فرط استفاده، ریاضیات عملاً از حیزانتفاع ساقط شده و حتی به مانعی برای فهم واقعی زندگی بدل شده است. این اولین ویژگی اندیشه‌سوز متون ترجمه‌شده اقتصادی است.

۲- ویژگی دوم که برآمده از ویژگی اول است انفکاک اندیشه‌ورزی در متون ترجمه‌شده از امر تاریخی و گذشته تاریخی است. از نگاه این متون تاریخ اقتصادی عبارت است از تجلی علم اقتصاد در گذشته تاریخی. رابطه فرمال ناموجود یا کم‌رنگ در زندگی حقیقی مردمان واقعی که در چارچوب علم اقتصاد به اکنون تحمیل شده در چارچوب تاریخ‌نگاری اقتصادی بر گذشته تاریخی نیز تحمیل می‌شود. این نگاه، تاریخ‌نگاری اقتصادی جریان غالب را شکل می‌دهد و در اروپا و آمریکا تبار بلندی دارد ولی در جریان انتقال جریان غالب اقتصادی به ایران منتقل نشد. در ۱۵ سال گذشته در دانشگاه‌های ایران افرادی که خود را نهادگرا می‌دانند به شکل‌های مختلف تلاش کرده‌اند به امر تاریخی و تاریخ‌نگاری اقتصادی توجه کنند. نهادگرایان بر خلاف تصور رایج ناقدان جریان نوکلاسیک نیستند، بلکه درصدد تصحیح برخی فروض غیرممکن مکتب نوکلاسیک هستند. نهادگرایان داعیه نگاه تاریخی دارند ولی خصوصاً در ایران آنچه به‌منزله بینش تاریخی مطرح می‌کنند توهم بینش تاریخی است. دستور کار اصلی مطالعه تاریخی آن‌ها این است که ببینند در گذشته تاریخی ما چه عواملی نبوده یا به‌عبارتی دست‌اندرکار بوده تا نظام سرمایه‌داری متعارف شبیه آن‌چه در انگلستان و آمریکا موجب سعادت عمومی شده تحقق نیابد. تاریخ‌نگاری آن‌ها فقدان‌نگری است و تاریخ هیچ را می‌نویسند.

۳- متون ترجمه‌شده در سال‌های پس از جنگ دچار انفکاک از امر سیاسی و اجتماعی هستند. در این‌جا فقط از دریچه حقوق شهروندی به این نکته می‌پردازم. درست است که مکتب نوکلاسیک به صورت جنینی در قرن نوزدهم به وجود آمد ولی در سده بیستم تثبیت شد و زایش یافت. این سده، سده‌ای است که در آن حرکت به سمت حقوق مدنی که از انقلاب فرانسه آغاز شده بود مثل آزادی‌های فردی، برابری در پیشگاه قانون و... در اروپا نسبت به بقیه نقاط جهان تحقق پیدا کرد. حقوق سیاسی و مشخصاً حق مشارکت جمهور مردم در سیاست که اسمش دموکراسی است نیز شکل گرفته بود. متون سده بیستم که مأمّن شکل‌گیری متون دانشگاهی ماست پیشاپیش تحقق حقوق سیاسی و مدنی شهروندان را پیش‌فرض گرفته‌اند بنابراین نه مستقیماً به خود آن‌ها می‌پردازند، نه به موانعی که بر سر راه آن‌هاست و نه به درهم‌تنیدگی آن‌ها با حقوق اجتماعی و اقتصادی. ولی در ایران از زمان مشروطه به بعد ما هم‌زمان در سه جبهه می‌جنگیم: تحقق حقوق مدنی، تحقق حقوق سیاسی و تحقق حقوق اجتماعی - اقتصادی شهروندان. در هر سه زمینه دستاوردها و شکست‌هایی هم داشته‌ایم و مبارزه کماکان ادامه دارد. این سه قلمرو درهم‌تنیده‌اند و مجموع متون ترجمه‌شده در دانشگاه‌های ما در سال‌های پس از جنگ به این نیاز نظریه‌پردازی در حوزه اقتصادی، یعنی درهم‌تنیدگی امر اقتصادی با امر سیاسی و اجتماعی پاسخ نمی‌دهند.

۴- لازمه مبارزه برای تحقق حقوق مدنی و اجتماعی و اقتصادی شهروندان دربرگرفتن حداقل‌هایی از مسکن، درمان، بهداشت، آموزش همگانی، تربیت‌بدنی و... است. اگر یک شهروند از آن‌ها برخوردار نباشد اصلاً شهروند نیست که بخواهد به دنبال حقوق مدنی و سیاسی خودش برود.

مکتب نوکلاسیک سه روایت از زمان زایش داشته است: روایت نولیبرال که معتقد است این نیازها نه از طریق دولت و مستقل از قدرت خرید مردم بلکه باید از طریق بازار تأمین شود. روایت دیگر که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا اواسط دهه ۱۹۷۰ دست بالا را در غرب داشت روایت سوسیال‌دموکراسی از مکتب نوکلاسیک است و معتقد است بازار در برخی زمینه‌ها با شکست مواجه می‌شود و دولت باید وارد شود.

روایت سومی هم هست که بسیار نادر و تا حدی عجیب بوده و آن نوکلاسیک‌های مارکسیست یا نظریه سوسیالیسم بازار است. این نظریه قیمت را بهترین عامل می‌داند ولی معتقد است در جایی که مالکیت خصوصی عوامل تولید را لغو می‌کنیم بازار را بازسازی می‌کنیم. از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد روایت نولیبرالی دست‌بالا را می‌گیرد. این زمان همان دوره‌ای که است که اولین سری جذب‌شدگان از دانشگاه‌های آمریکایی با خود روایت نولیبرالی را وارد ایران کردند و با موفقیت کامل به بدنه اجتماعی ایران تزریق کردند. انبوه متون ترجمه‌شده در سال‌های بعد از جنگ در قالب زبانی فرمال و نگاهی غیرتاریخی و هم‌چنین منفک از امر اجتماعی و سیاسی، حامل ارتجاعی‌ترین جریان فکری و مهندسی اجتماعی در قالب پروژه‌های توسعه در سال‌های پس از جنگ بوده ولی در هیچ دوره‌ای به اندازه زمان دولت یازدهم به بعد پررنگ نبوده است. تصور من این است که متون ترجمه‌شده در سال‌های پس از جنگ نه تنها کارگزار ارائه راه‌حل برای معضلات اقتصادی ما به‌طور خاص و بحران‌های جامعه ما به‌طور عام نیستند، بلکه خود جزئی از بحرانی هستند که ما امروز به آن دچار هستیم.

برگرفته از شرق